

کتاب باشگاه پنج صبحی ها اثر «رابین شارما» شامل فصل‌های مختلفی است و خواننده را به سحرخیزی و استفاده‌ی صحیح از زمان راهنمایی می‌کند. شما می‌توانید روح و جسم خود را با این کتاب متحول کنید.

داستان کتاب باشگاه پنج صبحی ها:

داستان کتاب باشگاه پنج صبحی ها داستانی حیرت انگیز از دو انسان معمولی است. این دو نفر در پی رفاه و آرامش بیشتر و موفقیت هستند. آن‌ها در این مسیر با فرد بسیار موفقی رو به رو می‌شوند.

او آن‌ها را به سفری به دور دنیا می‌برد. که در این سفر تجربه‌های بسیاری کسب می‌کنند. کتاب باشگاه پنج صبحی ها سفر نامه‌ای آموزنده به کشورهای مختلف و نیز به جهان معنویات است.

ارمغان این سفرها عبارتند از:

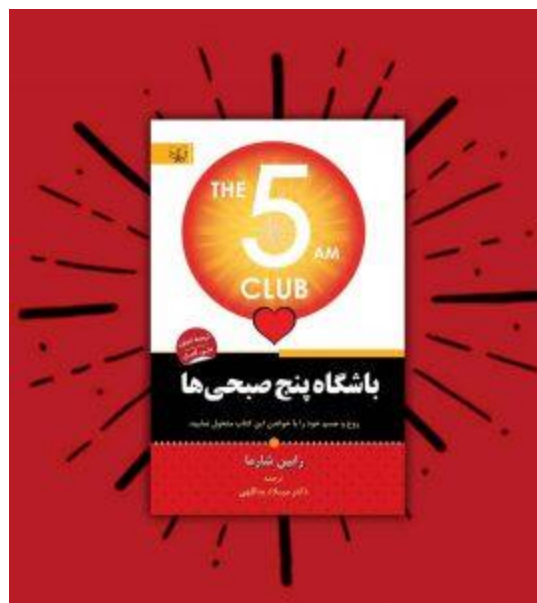
-شناخت استعدادهای هفته

-احترام به انسانیت

-چگونه بهرمند شدن از زندگی خردمندانه و خیرخواهانه

درباره رابین شارما

«رابین شارما Robin Sharma» نویسنده و سخنران انگیزشی اهل کانادا در ۱۸ ماه مارس سال ۱۹۶۵ به دنیا آمد. او تحصیلاتش را در زمینه‌ی وکالت به سرانجام رساند ولی فعالیت در این حوزه را پس از مدتی رها کرد. او کتاب *The Monk Who Sold His Ferrari* را سال ۱۹۹۹ منتشر کرد که بسیار موفقیت‌آمیز بود. این اثر نام «رابین شارما» را به شهرت جهانی رساند و به بیش از پنجاه زبان دنیا ترجمه شد. این اثر بانام «راهبی که فراری‌اش را فروخت» به فارسی ترجمه شده است که نسخه‌ی صوتی خلاصه‌ی آن در سایت و اپلیکیشن فیدیبو با صدای «علی نجفی» برای دانلود موجود است. «رابین شارما» پس از این اثر کتاب‌های زیاد دیگری در زمینه‌ی موفقیت و برنامه‌ریزی منتشر کرد، برخی از آن‌ها به فارسی ترجمه شده‌اند.



در بخشی از کتاب باشگاه پنج صبحی ها می خوانیم

انگار چیزی جلودار مرد بی‌خانمان نبود. «و ثانیاً، من در عالم کسب‌وکار خیلی موفقم. تعدادی شرکت راه‌اندازی کردم که توی این دوره که شرکت‌ها میلیاردها دلار درآمد دارن ولی در آخر سود خالصی برایشون نمی‌مونه، سوددهی خیلی بالایی دارن. خیلی بامزه است. دنیا کم‌وبیش داره دیوونه می‌شه. حرص و طمع خیلی زیاده، ولی عقل سلیم خیلی کم. و سوم، اگر اجازه بدید...» در حالی که صدای خش‌دارش بلندتر می‌شد، ادامه داد: «یه هواپیما روی یه باند آسفالته منتظره که از اینجا چندان دور نیست. پس، قبل از اینکه برم، یکبار دیگه ازتون می‌پرسم... چون دلم می‌خواد بدونم. شما دو نفر از کدوم قسمت سخنرانی بیشتر خوشتون اومد؟»

هنرمند جواب داد: «تقریباً از همه‌اش. از همه‌اش خوشم اومد. تمام حرف‌های اون اسطوره‌ی پیر رو ضبط کردم.»
مرد بی‌خانمان حین آنکه دست‌ها را محکم روی سینه‌ی قلاب می‌کرد، هشدار داد: «این کار غیرقانونیه. با این کار ممکنه خودت رو بندازی توی یه هچل قانونی.»

کار آفرین هم تایید کرد. «این کار خلاف قانونه. چرا باید همچین کاری می‌کردی؟»

«چون دلم خواست. حس کردم باید این کار رو بکنم. من هر کاری رو که دلم بخواد انجام می‌دم. قوانین ساخته می‌شن برای شکستن، می‌دونی؟ پیکاسو گفت شما باید قواعد رو مثل یه حرفه‌ای بدونید، تا بتونید مثل یه هنرمند اون‌ها رو در هم بشکنید. من نیاز دارم خود واقعی‌ام باشم، نه یه گوسفند بی‌دل و جرئت که کورکورانه توی مسیری که به ناکجا ختم می‌شه دنبال گله راه می‌افته. اغلب مردم، به خصوص اون‌هایی که پول توی جیبشون دارن، هیچی نیستن غیر از یه مشت شارلاتان. درست عین اینکه سخنران گاهی وقت‌ها می‌گفت: شما" یا می‌تونید هم‌رنگ جماعت بشید یا می‌تونید دنیا رو متحول کنید، ولی نمی‌تونید جفتش رو با هم انجام بدید. خلاصه. همه‌اش رو ضبط کردم. الان آگه دلتون می‌خواد، بهم شلیک کنید. بازداشتگاه هم بدک نیست. احتمالاً اونجا چند تا آدم باحال ببینم.»

فهرست کتاب باشگاه پنج صبحی ها

- کنفرانس بهسازی خود
- استاد انگیزه
- ویژگی آدم های استثنایی
- بامداد پر امید
- سفر به صبحی رویایی
- نسخه برداری برای ساخت بهشت
- اقیانوس احتمالات
- پیامک تهدیدآمیز
- روزی فرخنده
- خودمان را بهتر بشناسیم
- تاریخ ساز ها و سرمایه سازان هوشمند
- رهایی از عدم تمرکز
- تمرین های ضروری برای رسیدن به اوج پیشرفت ها
- تجربه های روزانه
- ماجراجویی های فراموش نشدنی
- بهینه سازی عادت ها
- نگاهی همه جانبه به نظم شخصی
- بحران جهانی خواب!
- نیروی عشق
- موهبتی به نام فردا
- فصل پایانی : آخرین خبر های خوش

کتاب باشگاه پنج صبحی ها را به همراه تخفیف ویژه ی آن خریداری کنید.